

یادداشت

«قلم»، ضامن اخلاق‌مداری

زهره آشتیانی*

● این‌روزها که هر دقیقه آن آغشته به اخباری درباره مباحث مالی مسئولان و مدیرانی است که برخی سعی در انکار دارند و برخی دیگر قربانی سیاست‌های نادرست گذشته شده‌اند، تنها تکرار خاطره‌ها می‌تواند یادآور اخلاق‌مداری‌های گذشته در این عرصه باشد. شاید باید گفت برگزاری مراسم‌ها و نکوداشت‌ها و اهدای جایزه‌ای با نام «قلم» کاری سهل است ولی آیا به این فکر کرده‌ایم که تا چه اندازه بستری برای بهره‌گیری از قلم در راستای پاسداری از کیان و آرمان‌های انقلاب و حفظ اخلاق اجتماعی به پاس حرمت مردم ایجاد کرده‌ایم؟ یا اینکه همواره عده‌ای تلاش کرده‌اند تا با تابلوسازی‌هایی از رفتار گروهی حداقلی و تعمیم آن به اکثریتی متعهد، ماهیت «قلم» و تأثیرش را زیر سؤال ببرند؟ وقتی به آنچه اکنون پیرامونمان شناور است نگاه می‌کنیم، انبوهی از آمار و ارقامی می‌بینیم که چندان خوشایند نیست؛ به‌ویژه آنکه با کمال تأسف جامعه زنان و دختران سرزمینمان نیز از آن مصون نمانده‌اند و چیزی به ذهن متبادر نمی‌شود جز آنکه وضع موجود حاصل رویکردهای سیاسی و جناحی است که همواره بر جامعه سیاست‌زده ایران سایه گسترانده است. به زمانی نه‌چندان دور برمی‌گردم. شاید در همین دهه قبل بود که روزنامه‌نگار اجتماعی یا نویسنده‌ای ناچار می‌شد تا با خودسانسوری از بیان واقعیت‌های جامعه‌اش که نظاره‌گر آنهاست چشم‌پوشی کند. این در حالی است که اگر به‌جای چشم‌پوشی‌ها به تأثیر قلم باور داشتیم اکنون با انبوهی از تلخی‌ها مواجه نبودیم. اکنون وقتی از زانه‌شدن فقر صحبت می‌شود یا آسیب‌های اجتماعی که دامن دختران و زنان را گرفته است آیا باید گفت بیکاره چنین آماري بر ما حادث شده‌اند یا اینکه اینها محصول سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌هایی هستند که در غیبت قلم ایجاد شده‌اند؟ آفت امروزه ما این است که هر حرکت و رفتاری را با سیاسی‌انگاری‌هایی از سر حب و بغض به حاشیه می‌کشانیم. با این رویکرد است که بعضاً واژه «قلم» ماهیتی سیاسی پیدا می‌کند و بعضاً به دور از چارچوب‌های قانون تعبیرش می‌کنند. این در حالی است که در دین مبین اسلام و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اصل آزادی بیان و قلم تأکید شده است که توجه به این مهم رافع حل بسیاری مشکلات با شفافیت‌بخشیدن به رویدادهای پیرامونمان است. پس بیکاره نبود اندیشه کمتر علی شریعتی که می‌گفت «قلم توتم من است»؛ چراکه او با قلمش به روشنگری پرداخت و هدایتگر نسلی جوان برای پابندی به آرمانی بزرگ شد؛ با اندیشمندی چون شهید مطهری با قلم خودش به انسان‌سازی در جامعه پرداخت. شهیدبهشتی نیز دیدگاهی ژرف درباره آزادی قلم داشت معتقد بود: «بنا بر قانون اساسی باید در نظام اجتماعی آزادی‌های لازم برای یک‌یک شهروندان جمهوری اسلامی تا حداکثر ممکن تأمین باشد از جمله آزادی احزاب و اجتماعات و نشریات و بیان و قلم». همه این اندیشمندان، دروغ‌پرداز و شایعه‌سازی را می‌بین ارزش و ضدارزش ماهیت قلم و آزادی بیان می‌دانستند و آن را آفتی برای اخلاق‌زدایی از جامعه دانسته و بر برهمنز آن تأکید داشتند ولی این نگرش نافی ارزش و نقش قلم و آزادی بیان نبود. بنابراین به نظر می‌رسد باید با تأسی به اندیشمندانی که همه به آنها باور داریم با احترام به «آزادی قلم» در چارچوب اخلاق‌مداری و قانون‌گرایی، تحولی عظیم برای آسیب‌زدایی از جامعه را دنبال کنیم.

●**روزنامه‌نگار و دبیر کارگروه رسانه معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری**

سرقت چراغ راهنما، پروژکتور، گاردریل و بنرهای تبلیغاتی

محمد خادمی: چندسالی است که سرقت‌های عجیب‌وغریبی از سوی متخلفان در سطح شهر صورت می‌گیرد؛ از سرقت کابل‌های برق با آن خطرهایی که دارد، گرفته تا سرقت از لامپ روشنایی و شیرآلات بوستان‌ها، اما به‌تازگی متخلفان دست‌به‌کار شده‌اند و سرقت از اموال عمومی را در دستورکار خود قرار داده‌اند؛ به‌طوری‌که به‌سرقت‌رفتن نورافکن فضای سبز، دریچه‌های جوی آب و تونل تأسیساتی، بنرهای تبلیغاتی، تابلوهای راهنمایی و رانندگی، پل‌های نهر آب و... که این نوع سرقت‌ها نه‌تنها بار مالی برای نهادهای خدمات‌رسان شهری دارد؛ بلکه باعث به‌وجودآمدن خطرات گوناگون برای شهروندان نیز خواهد شد.

برخورد قاطعانه با متخلفان

عضو شورای شهر تهران دراین‌باره معتقد است: «دستگاه قضائی و نیروهای انتظامی باید با سارقان اموال عمومی برخورد قاطعانه داشته باشند». به گفته «احمد حکیم‌پور»؛ بیشتر اموال عمومی‌ای که از سوی سارقان به سرقت می‌رود و موجب ایجاد خطرات برای دیگر شهروندان می‌شود، دریچه جوی‌های آب و تأسیسات شهری است.

حکیم‌پور در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «چند وقت پیش شاهد حادثه‌ای دراین‌باره در محله زندگی‌ام بودم؛ به‌طوری‌که به دلیل به‌سرقت‌رفتن دریچه یکی از تأسیسات شهری خانمی متوجه نبودن دریچه نشد و به داخل چاه سقوط کرد که در این حادثه این شهروند دچار آسیب زیاد شد».

آن‌طور که این عضو شورای شهر می‌گوید: «تمام اموال شهر، به‌عنوان اموال عمومی یا به عبارتی بیت‌المال به حساب می‌آید؛ بنابراین باید در این زمینه دستگاه قضائی و انتظامی اقداماتی اساسی انجام دهند». او در پاسخ به سؤالی درباره اینکه عده‌ای معتقدند که به‌سرقت‌رفتن تجهیزات شهری از سوی پیمانکاران دستگاه‌های خدماتی صورت می‌گیرد، این کار نیز به دو دلیل است؛ نخست اینکه موجب گرم‌شدن بازار پیمانکاران برای تعمیر آن محبط مد نظر می‌شود و دوم اینکه به دلیل پرداخت‌نکردن مطالبات پیمانکاران از سوی نهادهای خدماتی، آنها برای وصول طلب‌شان دست به جمع‌آوری ابزارآلاتی که خودشان در شهر نصب کرده‌اند، می‌زنند. او می‌گوید: «غیرممکن است که سرقت اموال شهری از سوی پیمانکاران نهادهای خدماتی باشد. این سرقت‌ها از سوی معاندان و متکدیان صورت می‌گیرد تا هزینه مصرف مواد مخدرشان را تأمین کنند؛ البته چند سال پیش تعدادی تدبیس هنرمندان که در سطح شهر نصب شده بود، از سوی افراد به سرقت رفت و هنوز هم نیروی انتظامی نتوانسته است سارقان آنها را پیدا کند. آن زمان سارقان با تجهیزات کامل در طول روز در زمان دو تا چهارساعته اقدام به سرقت تدبیس‌های شهری کردند و آن‌طور که پیداست این سرقت‌ها از سوی افراد خاصی صورت گرفته است و پلیس باید تحقیقات بیشتر انجام دهد تا عاملان این تخلف شناسایی، دستگیر و به شهروندان معرفی شوند.

موضوع سرقت‌های تجهیزات شهری در شورای شهر به شکل کلی بررسی شده است و برای اینکه سرمایه شهری حفظ شود، قرار است جنس و مواد اولیه این تجهیزات شهری از سوی نهادهای خدماتی تغییر پیدا کند تا ارزش مالی برای سارقان نداشته باشد».

خسارت به اموال عمومی

یکی از مهم‌ترین نهادهای خدمات‌رسان در کلان‌شهر تهران واحد امور شهری شهرداری تهران

است که «اصغر عطایی»، مدیر کل امور خدمات شهری شهرداری تهران دراین‌باره می‌گوید: «این سرقت‌ها به شکل‌های گوناگون در شهر تهران صورت می‌گیرد و معاونت زیاسازی، حمل‌ونقل ترافیک و خدمات شهری به شکل جداگانه با این پدیده مواجهند». او ادامه می‌دهد: «جاه‌های تأسیسات شهری در سطح معابر شهر تهران که متعلق به اداره برق، مخابرات، گاز و آب‌وفاضلاب است، وجود دارد که سارقان دریچه‌های این چاه‌ها را به سرقت می‌برند که موجب به‌خطرافتادن عابران پیاده و راکبان موتورسیکلت‌ها می‌شود که جا دارد مسئولان دیگر نهاده‌ها تدابیری بیندیشند تا دریچه‌های تأسیسات شهری‌شان بهره‌رختی جابه‌جا نشود».

به گفته عطایی بیشتر سرقت‌ها در محلات خلوت و تاریک شهر صورت می‌گیرد؛ حال فرقی ندارد این محلات در شمال شهر است یا پایین شهر طبق تحقیقاتی که انجام داده‌ایم، این سرقت‌ها در بزرگراه‌های شهری بیشتر به چشم می‌خورد. تجهیزاتي از قبیل شیرآلات سرویس‌های بهداشتی بوستان‌ها، دریچه‌های تأسیسات شهری، لامپ روشنایی معابر، آب‌افشان که برای آبیاری فضای سبز، ترده‌های آهنی بین بولوارها و تجهیزات آلومینیوم که برای پل‌های عابر پیاده به کار رفته است، سرقت می‌شوند، البته در حوزه زیاسازی؛ پرچم، بنرهای تبلیغاتی، پروژکتور روشنایی و در حوزه حمل‌ونقل ترافیک؛ گاردریل (حفاظ‌های اطراف بزرگراه) و تابلوهای راهنمایی و رانندگی سرقت می‌شود». او در پاسخ به سؤال خبرنگار «شرق» درباره اینکه در حوزه خدمات شهری شهرداری تهران چه راهکاری برای پیشگیری از این نوع سرقت‌ها اندیشیده است؟ پاسخ داد: «چند سال پیش به‌عنوان معاون خدمات شهری یکی از مناطق مشغول‌به‌کار بودم و گزارشاتی مبنی‌بر سرقت سطل‌های زباله به دست‌مان رسید و در آن زمان تصمیم گرفتیم سطل‌هایی راه‌اندازی کنیم تا از جنسی تهیه شود که ارزش مالی نداشته باشد، با این اقدام دیگر شاهد سرقت سطل‌های زباله نبوده‌ایم؛ بنابراین جا دارد نهادهای خدماتی برای استفاده از تجهیزات شهری از جنسی استفاده کند که ارزش مالی نداشته باشد؛ درحال‌حاضر در تعدادی از سرویس‌های بهداشتی واحد خدمات شهری شهرداری

گزارش «شرق» از دزدیدن و خسارت به اموال عمومی در شهر

جامعه



تهران از شیرآلات پلاستیکی استفاده کرده‌ایم تا مورد سرقت قرار نگیرد». مدیرکل امور خدمات شهری شهرداری تهران در ادامه می‌افزاید: «بیشتر سارقانی که دست به سرقت تجهیزات شهری می‌زنند، معنادان و کارت‌نخواب‌ها هستند و بیشتر آنها این تجهیزات را به بازافاتی‌های در محدوده محلات شوش و مولوی تهران با قیمت بسیار اندک می‌فروشند». او در پایان صحبت‌هایش می‌گوید: «با به سرقت‌رفتن دریچه‌های تأسیسات شهری و جوی‌های آب به‌خطرافتادن جان شهروندان صورت می‌گیرد و ایسن موضوع یکی از دغدغه‌های مدیریت شهری به حساب می‌آید».

سرقت میلیاردي از مخابرات

از دیگر نهادهای خدماتی که تجهیزات شهری‌شان مورد سرقت قرار گرفته، شرکت مخابرات است. آن‌طورکه شرکت مخابرات اعلام کرده است، در سال ۹۳ نزدیک به ۲۰۰ میلیارد تومان از تجهیزات این شرکت به سرقت رفته است. سیم‌های تلفن بهترین گزینه برای سارقان تجهیزات شهری است، چراکه سیم‌های تلفن برقی وجود ندارد و همچنین این سیم‌ها از جنس مس است که به‌راحتی در بازار خریدوفروش می‌شود و دسترسی سارقان به تجهیزات مخابرات به سهولت انجام می‌شود».

دریچه‌ها باید قابل‌توجهی ندارند

یکی دیگر از نهادهایی که تأسیسات شهری دارند، شرکت آب و فاضلاب است. برای اینکه بدانیم تجهیزات این شرکت نیز مورد دستبرد سارقان قرار گرفته است، به سراغ «ولی‌زاده»، مدیر روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب شهرک‌ها و شهرهای غرب تهران رفته‌ایم. او بعد از بررسی ایسن موضوع به «شرق» می‌گوید: «ارزش دریچه تأسیسات شرکت آب و فاضلاب بسیار زیاد و قابل‌توجه نیست، اما در صورتی که دریچه‌ای به سرقت برود، موجب ایجاد خطر برای رهگذران در معابر شهری می‌شود».

سرقت‌های پرخطر

اداره برق نیز یکی دیگر از نهادهای خدماتی است که تجهیزاتش مورد سرقت قرار می‌گیرد، دلیل اینکه چرا سارقان حاضرند دست به کابل‌های برقی بزنند که برق در آن جریان دارد، قیمت بالای جنس کابل‌هاست.

طبق اعلام وزارت نیرو، بیش از ۷۰ درصد از شبکه برق کشور از جنس مس است. از تعداد برق‌گرفتی سارقان سیم‌های برق آمار دقیقی در دست نیست، اما طبق اعلام وزارت نیرو، استان تهران مقام اول در سرقت کابل‌های برق را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که دو سال پیش «همایون حائری»، مدیرعامل شرکت توانیر، گفته بود که در سال ۹۳ بیش از ۳۰۰ میلیارد ریال کابل مسی از شبکه برق کشور به سرقت رفته است.

در همه جوامع این نوع سرقت‌ها وجود دارد

برای اینکه این موضوع را به شکل اساسی بررسی کنیم، به سراغ «حمید یغمایی»، جامعه‌شناس، رفته‌ایم. وی در این‌باره با اعلام اینکه مشابه این سرقت‌ها و آسیب‌رساندن به اموال عمومی در همه جوامع و کشورهای دیگر دنیا نیز وجود دارد، می‌گوید: «در گذشته بسیار دور افراد بسیار کمی در جوامع بودند که با اهداف سیاسی و اجتماعی اقدام به تخریب اموال عمومی می‌کردند که آنها را خرابکاران شهری می‌دانستند. ایسن افراد با مشکلات روحی و روانی داشتند یا اینکه برای انتقام از دولت دست به تخریب تجهیزات شهری دولت می‌زدند. ایسن موضوع در بسیاری از کشورهای جهان وجود داشته؛ به‌طورمثال در دهه ۶۰ افراد ناخواسته به‌جاهای تلفن که در سطح شهر راه‌اندازی شده بود حمله‌ور می‌شدند تا موجب خسارت به این تجهیزات شوند، تا اینکه با مرور زمان پدیده خرابکاران شهری با فرهنگ‌سازی از بین رفت». او ادامه می‌دهد: «اما به‌تازگی سرقت اموال عمومی از سوی معاندان به مواد مخدر انجام می‌شود تا از این طریق بتوانند هزینه مواد مصرفی خود را تأمین کنند، باوجوداین هستند افرادی که اعتیاد به مواد مخدر ندارند و به دلیل مشکلات مالی‌ای که دارند، دست به سرقت تجهیزات شهری می‌زنند». به گفته این جامعه‌شناس، افرادی که دست به این سرقت‌ها می‌زنند، به این موضوع توجه ندارند خسارتی که به بار می‌آورند چندبرابر بیشتر از هزینه به سرقت‌بردن آن تجهیزات را به‌دنبال می‌آورد، به‌طوری‌که اگر یکی عابر متوجه نباشد که دریچه یکی از جوه‌ای آب برداشته شده است و دچار حادثه شود، جبران ایسن حادثه امکان‌پذیر نخواهد بود».

نگاه

دهه هشتادی‌ها هم فرزندان

ایران هستند

زهر ا بنان خورشید

● خردادماه سال جاری جامعه ایران یک پدیده جدید و متفاوت را تجربه کرد؛ تجمع‌های خودجوش و بدون سازمان نوجوانان که پس از مدتی در فضای مجازی و رسانه‌ها، با عنوان «تجمع دهه هشتادی‌ها» شناخته شد. این تجمع‌ها که در مرحله اول، بنا بر ادعای خود نوجوانان (دانش‌آموزان) در اعتراض به سختی سؤال‌های امتحان نهایی چند درس بود، بعد از پایان امتحانات خردادماه نیز تکرار شد که نمود شاخص آن در مرکز خرید کورش تهران اتفاق افتاد. در تجمع دوم، برخی رفتارهای ساختارشکنانه مشاهده شد؛ اما این ساختارشکنی در حدی نبود که ارکان اصلی جامعه را تهدید کند.

پس از بروز این پدیده نوظهور، برخی رسانه‌ها با ارائه تحلیل‌های تند و جهت‌دار، این نوجوانان و خانواده‌های آنها را آماج حمله‌های خود قرار دادند و به آنها صفت‌هایی نسبت دادند که شایسته نبود. نباید فراموش کنیم این نوجوانان، فرزندان همین مرز و بوم هستند و قرار است چرخ‌های این سرزمین را در آینده بچرخانند. «برجسب‌زنی» به آنها و موضع‌گیری تند و شدید در مقابل‌شان، زمینه بروز رفتارهای نابهنجارِ بعدی را در آنها ایجاد می‌کند. مواجبه با پسران و دختران نوجوانی که تحت تأثیر یک تصمیم جمعی در فضای مجازی، دست به اقدامی عجیب زده‌اند، نباید به‌گونه‌ای باشد که امکان برقراری تعامل و ارتباط‌های بعدی با آنها، از بین برود و ایسن افرادی را که در حساس‌ترین سال‌های زندگی‌شان هستند، در مقابل تریبون‌های رسمی قرار دهد.

البته بروز این حادثه، پیام‌های روشنی برای متولیان امور جوانان و نوجوانان داشت؛ ازجمله مهم‌ترین این پیام‌ها «ضرورت توجه بیشتر به مدیریت اوقات فراغت دانش‌آموزان» و همچنین «امکان استفاده از فضای مجازی برای برقراری ارتباط با نوجوانان» بود. اینکه امسال دانش‌آموزان زودتر از مسئولان برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کردند و بلافاصله پس از پایان امتحانات خردادماه، از طریق شبکه‌های مجازی، یک دورهمی بی‌مقدمه طراحی کردند، نشان می‌دهد شاید نسل جدید خیلی منتظر مسئولان نماند. این نسل به دلایل متعدد فرهنگی، جمعیتی، تربیتی و رسانه‌ای، ویژگی‌هایی بسیار متفاوت از نسل‌های قبل دارند. آنها معمولاً در رفاه بزرگ شده‌اند، با ابزارهای ارتباطی پیوندی عمیق دارند، در خانواده‌های کم‌جمعیت رشد پیدا کرده‌اند و محدودیت‌های نسل قبل را در روابط اجتماعی نداشته‌اند. به همین دلیل لازم است مسئولان و رسانه‌ها در برقراری ارتباط با آنها، دقت و وسواس بیشتری به خرج دهند و بی‌گدار به آب نزنند.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، واقعیت این است که آنها فرزندان ما هستند و فردای این مملکت را باید آنها بسازند؛ بنابراین بهتر است با شناخت ویژگی‌ها و توانمندی‌های آنها، حتی در صورت بروز برخی ساختارشکنی‌های سهوی، به‌جای برخورد قهری، بررسی علت‌ها و جرایم‌ها را در اولویت قرار دهیم.

۶	۲				
			۵		۱
		۶	۷		
			۳		۲
	۶			۴	
		۱	۳		
			۷		۱
				۹	
		۷	۴		۸
	۹		۷	۴	
		۴			

۹		۷		۵	۳	۸	
۶			۸	۹	۳		۱
۴			۷	۲		۶	۵
	۳		۶		۵		۴
		۶		۱	۲		
			۳	۸		۱	
							۹
				۸	۶	۲	۷
			۹				

سودوکو سخت ۱۵۸۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۵۸۱

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۶	۸	۱	۴	۳	۷	۹	۲	۵
۳	۷	۲	۱	۵	۸	۴	۶	
۹	۵	۴	۶	۸	۲	۱	۳	۷
۷	۹	۵	۳	۴	۱	۲	۶	۸
۲	۱	۵	۶	۹	۴	۵	۷	
۴	۶	۳	۷	۲	۸	۱	۹	
۵	۲	۶	۸	۷	۳	۴	۹	۱
۱	۳	۷	۱	۹	۴	۶	۵	۲
۸	۴	۹	۲	۵	۶	۷	۸	۳

۸	۳	۵	۱	۷	۴	۹	۲	۶
۶	۱	۷	۲	۸	۹	۴	۳	۵
۴	۹	۳	۶	۵	۱	۷	۸	
۹	۶	۸	۷	۴	۲	۵	۱	۳
۷	۵	۴	۸	۳	۱	۶	۹	۲
۱	۲	۳	۹	۵	۶	۸	۴	۷
۳	۴	۹	۵	۲	۸	۷	۶	۱
۵	۷	۶	۴	۱	۳	۲	۸	۹
۲	۸	۱	۶	۹	۷	۳	۵	۴

جدول ۲۵۸۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲											